

شمعدانی | پایگاه اینترنتی معلولان ایران- اجتماعی

حقوق کودک و کودک معلول در قوانین داخلی و بینالمللی

حذف تصاویر و رنگ‌ها | تاریخ ارسال: 18/11/1390

حقوق کودک و کودک معلول در قوانین داخلی و بینالمللی



دکتر محمد رضا بیگدلی

مقام انسان، انسانیت و حقوق انسانها، از دیرباز مورد توجه و موضوع بحث بوده است. در آثار فلاسفه و اندیشمندان دوره باستان، در نوشته‌های دانشمندان اسلامی، سرانجام در کتب متأخرین، به اقتضای مورد در این بحث شده است. در رفتار و گفتار انبیاء تأیید کرامات انسانی و آزادیها و حقوق انسانها به‌ویژه کودکان و معلولان تأکید بر رعایت این حقوق و آزادیها میشود و آنهایی که به هر شکلی و در هر مقامی، به این حقوق تعرض روا داشته‌اند مورد اعتراض و سرزنش قرار گرفته‌اند. که این همه، نشان از اعتبار انسان و اهمیت حقوق وی دارد. صرفنظر از بحث درباره‌ی مکاتب فلسفی و حقوقی و قطع نظر از تئوری حقوق الهی و فطری یا حقوق طبیعی از سویی و دکترین حقوق تحققی و موضوعه از سوی دیگر، آنچه که این مکاتب در آن اتفاق نظر دارند، شناسایی حقوق انسانها و احترام قولی و عملی بدین حقوق است. اما دریغ که باوجود این واقعیات، پیوسته حقوق انسانها به ویژه معلولان از سوی برخی قدرتمندان و دولتمردان به انحاء گوناگون مورد تعرض قرار گرفته، که این خود از جانبی بحثهای فلسفی و حقوقی خاصی را به وجود آورده و از جمله پیدایش مکاتبی چون اصالت فرد و مکتب اصالت اجتماع را باعث گردیده و از جانبی دیگر واکنشهایی برانگیخته که صرفنظر از انقلاب و تحولات سیاسی اجتماعی، از لحاظ نظری نیز حایز اهمیت بسیار میباشد. چراکه برخی از زمامداران را هم بر آن داشت تا رعایت حقوق و آزادیهای انسانها را تناسب شرایط زمانی و مکانی خویش جزء دستور و برنامه کار خود قرار دهند و پاره‌ای از این حقوق را از طریق وضع قوانین و یا از محل صدور فرامین به رسمیت بشناسند و خود را متعهد به رعایت آنها معرفی نمایند که از این مقوله‌ها: قانون حمورابی پادشاه بابل (2123-2080 قبل از میلاد)، قانون اساسی آتی (507 م)، منشور کوروش پادشاه هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلاد) اقدامات ژستی نین امپراتور روم، در جهت احیاء و اصلاح الواج دوازده گانه روم، قطعنامه ماگنا گارتا معروف به منشور کبیر انگلستان (2115 میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (1866 میلادی) لایحه حقوقی ویرجینا (1776 میلادی) و موارد دیگری از این دست.

در تداوم تلاش انسان دوستان و اندیشمندان برای صیانت رعایت حقوق انسانها یا تبلور و نشر افکار بزرگ مردانی چون ولتر، منتسکیو، میرابور، ژان ژاک روسو، هوگو و... و تحقق انقلاب کبیر فرانسه در سال 1789 میلادی، اعلامیه حقوق بشر و شهروند (فرانسه) تدوین و منتشر شد که مفاد آن پشتوانه و خمیرمایه قانون اساسی آن کشور گردید و از آن پس، اضافه بر انقلاباتی که در برخی کشورهای دیگر شکل گرفت، سایر کشورهای جهان نیز دارای قانون اساسی شدند که اضافه بر ترسیم خطوط اصلی و خط و مشیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی ... سند زنده و رسمی حقوق و آزادیهای شناخته شده شهروندان و حقوق ملت میباشد و حکومتها و دولتها را ملزم به رعایت این حقوق و آزادی مینماید. اما یکی از لوازم رعایت این حقوق، وقوف بر آنهاست.

توجه به مسایل مربوط به حقوق کودکان، جهانیان را روز به روز بیشتر به خود جلب میکند. موضوع حقوق کودکان در فرهنگ اسلامی و ایرانی دارای ریشه‌های عمیق بوده و قرن‌ها پیش بنیانگذاران عالی مقام دین مبین اسلام حقوق کودکان را به رسمیت شناخته و مسلمانان را به رعایت آن ترغیب و تشویق نموده‌اند. برای فرهنگ اسلامی و ایرانی ما این افتخار ماندگار است که هنگامی که مغرب زمین دوران جهل و تاریکی خود را میگذرانید، در خاورمیانه و در ایران، در پرتو تعالیم عالی‌ه اسلامی و ایرانی حقوق کودکان بس مورد توجه قرار گرفته است. (بیگدلی، 1381)

انسان به صورت جدا از ممنوع خود زندگی نمی‌کند. برای زندگی با ممنوع خود روابطی را براساس نیازهایی که هست برقرار میکند. پس این نیازها پدیده طبیعی و واقعی هستند. شناسایی این نیازها و روابط ناشی از آنها علمی را تشکیل میدهد. پس حقوق، یک معلول انسانی و یک علم اجتماعی است زیرا از روابط انسان اجتماعی بحث میکند. علم حقوق هم از علومی است که از جهان (به تصویر صفحه مراجعه شود) دانشبه مرحله عمل میتواند درآید. مرزی که بین این علم و عمل وجود دارد مرز بین علم حقوق و فن حقوق است. فن حقوق را نزد قضات، وکلا، صاحبان دفاتر اسناد رسمی و دفتر یاران و نزد مشاوران حقوقی و نویسندگان متون قوانین میتوان دید و از نظر لغوی حقوق را میتوان چنین معنی کرد:

حقوق جمع حق و حق در فارسی بهمعنای درست کردن وعده، درست کردن و درست دانستن، یقین نمودن، سزاوار گردانیدن و ... آمده است.

مطابق ماده 958 قانون مدنی: "هر انسان، متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، اما هیچ کسی نمیتواند حقوق خود را اجرا کند مگر آنکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد". کسی اهلیت قانونی برای اجرای حقوقی مدنی دارد که ممنوع و مجبور از تصرف در اموال و حقوق مالی خود نباشد.

مطابق ماده 1207 قانون مدنی: "اشخاص زیر مجبور و از تصرف در اموال و حقوق خود ممنوع هستند".

1. صغار

2. اشخاص غیر رشید

3. مجانین

بنابراین میبینیم که از نظر حقوقی، کودک از کلیه حقوق مدنی برخوردار است و از این نظر فرقی با بزرگسالان ندارد اما به صورت قانونی نمیتواند حق خود را اعمال و اجرا کند. کودک از حقوق سیاسی برخوردار نیست. نکته مهم از نظر حقوقی آن است که بدانیم کودکی از چه سنی شروع و به چه سنی خاتمه میپذیرد. مهمترین مساله در کنوانسیون حقوق کودک تشخیص این مطالب است که کنوانسیون مذکور شامل چه افرادی است و به عبارت دیگر کودک کیست؟ ماده 1 کنوانسیون مقرر میدارد که از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن 18 سال است مگر آن طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود. بنابراین طبق کنوانسیون، تشخیص "کودک" بسته به قوانین داخلی هر کشوری متغیر خواهد بود.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران "کودک" به فردی گفته میشود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره 1 ماده 1210 که در سال 1360 به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعلام داشته است "سن بلوغ در پسر پانزده سال قمری و در دختر نه سال تمام قمری است" (اخیرا مصوبه مجلس به 15 سال ارتقا یافته است). (بیگدلی، 1379)

امروزه قلمرو موضوعهای مربوط به حقوق بشر و حقوق کودک بهطور عام روزه روز وسعت بیشتری به خود میگیرد و پیوسته گروههایی از افراد بشر را که نیازمند حمایت و مراقبت بیشتری هستند در برمیگیرد. معلولان به دلیل وضعیت جسمی و روحی خاص خود احتیاج به مراقبت ویژه دارند و طبعاً کودکان معلول به علت سن کمی که دارند قادر به رفع حوائج خود بدون مساعدت دیگران نبوده و همچنین نیازهای ویژه خود را دارند که صرف معلول بودنشان باعث میشود که از کمک و صیانتی مضاعف برخوردار گردند تا بتوانند از حقوقی که برای نوع انسان مقرر شده متمتع شوند. هرچند این مراقبت ویژه و خاص نباید به نحوی اعمال گردد که باعث انزوای آنان از جامعه‌های که در آن زندگی میکنند بشود، بلکه باید در محیط طبیعی خانواده و بهطور عادی پرورش یابند تا آسانتر به کمبودهای ناشی از وضعیت جسمی و روانی خود عادت کنند.

تلاش جامعه جهانی در حمایت از معلولان منجر به تصویب اسنادی از طرف مجامع بینالمللی شده که این اسناد باوجود فقدان ضمانت اجراء تاثیر آنها در افکار جامعه و جلب مشارکت مردم در رفع نیازهای معلولان غیرقابل انکار است و

بعلاوه این اسناد راه را برای تحولات آینده در جهت توسعه تدریجی حقوق معلولان همواره میسازند. هرچند در توصیف این اسناد گفته شده که آنها جنبه پیشنهاد داشته و صرفاً از نظر شکلی به صورت توصیه و سفارش تنظیم میگردند ولی باوجود این، ارزش این اسناد، در تاسیس قواعد مقررات بینالمللی جدید، بسیار زیاد است.

تأثیر اسناد بینالمللی راجع به حمایت معلولان در قوانین داخلی کشورها که با هدف حمایت از آنان تدوین میگردند و بهعنوان مثال از توصیهنامه شماره 99 سازمان بینالمللی کار در مورد تجدید تربیت و آموزش حرفهای معلولان مصوب 1995 میتوان نام برد که هرچند از نظر شکل و محتوا توصیهنامه است، ولی در اغلب کشورها تأثیری همانند یک مقالهنامه به جا گذاشته است. ولی به نظر میرسد این مصوبات که با هدف حمایت معلولان تدوین شدهاند باوجود تأثیر عمیق آنها در قوانین داخلی کشورها، در رفع نیازهای آنان بهویژه کودکان معلول ناکافی است. در واقع تلاشهای به عمل آمده در این زمینه بسیار محدود بوده است، به همین دلیل در اعلامیه جهانی بقاء، تکامل و حمایت از کودکان به عنوان یک وظیفه اصلی از دولتها خواسته شده که در مورد کودکان معلول و نیز سایر کودکانی که در شرایط دشوار به سر میبرند، مراقبت و حمایتی بیشتری مبذول دارند.

از اینرو کوششهای مجامع بینالمللی باید برای تشویق دولتها به توافق در مورد معاهداتی لازمالاجرا و برعهده گرفتن تعهداتی در زمینه بهبود وضعیت معلولان بهویژه کودکان توسعه و گسترش یابد در این راستا اقدام جامعه جهانی در تدوین و تصویب کنوانسیون حقوق کودک 1989 موفقیت شایان توجهی برای دستاوردکاران آن و تلاشی برای توسعه موارد فوق بوده است ولی در این کنوانسیون نیز باوجود اهمیت مسایل مربوط به کودکان معلول تنها یکی از مواد اینگونه اختصاص یافته است.

1. معلول این است که در قواعد مندرج در کنواکسیونهای کلی است در حالی که اعلامیهها و توصیهنامههایی که در راه (به تصویر صفحه مراجعه شود) توسعه تدریجی قواعد و مقررات بینالمللی تصویب میشوند به جزئیات امور توجه دارند. در این ماده به جزئیات حقوق مربوط به معلولان توجهی نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است، که از این نظر ایرادی به کنواکسیون حقوق کودک وارد نیست، ولی این نقص در این ماده باقی است که به اسناد بینالمللی که برای حمایت از معلولان متضمن حقوقی است که به دقت و با ذکر جزئیات تصویب شدهاند، ارجاع نشده است.

2. به نظر میرسد که این ماده صرفاً به منظور تحکیم و تثبیت حقوقی که در اسناد بینالمللی در مورد معلولان به رسمیت شناخته شده تنظیم شده بدون اینکه تلاشی در گسترش و توسعه این حقوق صورت گرفته باشد. بنابراین فاقد جنبه ابداع و نوآوری بوده و فقط منحصرأ موضوع رایگان بودن هزینههای مربوط به مراقبت ویژه از کودکان معلول را میتوان ابتکاری از ناحیه تدوینکنندگان کنوانسیون حقوق کودکان دانست که آن هم با ذکر قیودی مثل "در صورت امکان، از تأثیر آن تا اندازههای کاسته شده است".

3. لحن ماده 23 کنوانسیون حقوق کودک بیشتر جنبه توصیه و سفارش دارد تا اعلام قاعدهای لازمالاجرا و در نتیجه برای کشورهای عضو کنواکسیون ایجاد الزام نمیکند. بنابراین میتوان گفت کنوانسیون گامی فراتر از آنچه که در اعلامیهها در مورد معلولان آمد، برداشته و سعی در تحکیم حقوق اعلام شده قبلی درباره آنان داشته است.

بنابراین به نظر میرسد که حمایت به عمل آمده از کودکان معلول در کنوانسیون حقوق کودک کافی نبوده و باتوجه به تعداد معلولان که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره 52/37 مورخ 3 دسامبر بالغ بر 500 میلیون نفر داشته که تعداد 400 میلیون نفر آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی میکنند. سزاوار بود که تدوینکنندگان کنوانسیون حقوق کودک با تصریح و شناسایی حقوق کودکان معلول، تعهدها و وظایف دولتها را برا گسترش و توسعه این حقوق به نحوی دقیق مشخص مینمودند، هرچند مصلحت در تدوین کنوانسیونهای مرتبط به حقوق بشر که جهان شمول هستند در این است که اینگونه کنوانسیونها از انعطاف لازم برخوردار باشند تا از نظر کمیت تعداد بیشتری از کشورها بدان بپیوندند. به علاوه نباید غافل ماند زیرا هرچند تعداد زیادی از معلولان جهان در کشورهای جهان سوم زندگی میکنند ولی حمایت از معلولان در این کشورها مستلزم داشتن دانش و فنون لازم برای تحقیقبخش اعظم هدفهای منعکس در این ماده و صرف منابع مالی است که اغلب کشورها سراسر جهان سوم به علت فقدان بنیه علمی لازم و همچنین کمبود بودجه و منابع مالی کافی قادر به اجرای تعهداتی که بیش از توان آنان باشد نیستند ولی باوجود این مسایل و مشکلات نمیبایست حمایت کنوانسیون حقوق کودک از کودکان معلول تا این اندازه تنزل پیدا کنند که در کنوانسیونی که داعیه

حمایت از کودکان را دارد، مقررات آن تعهد خاصی را متوجه دولتهای عضو آن نکرده و صرفاً جنبه توصیه و سفارش را داشته باشد.

حتی در کشورهای غربی نیز با وجود ادعای بشر دوستی و فعالیت انجمنهای حمایت از کودکان، حقوق کودکان، قدر و شان آنان پایمال میشود. شایان توجه است که متخصصان و روان شناسان غربی بر این واقعیتها معترفند. ملتون¹ در کتاب دفاع کودک چنین مینگرد "هنوز یک توافق و پشتیبانی همگانی در باره ایذولوژی کودکان که به آنها بها دهد تا به حقوق مربوط به رضای نیازها و تحقق تواناییهایشان برسند تدوین نیافته است (ملتون، 1983).

هارت² نویسنده و روانشناس دیگری معتقد است "میان حقوق کودکان که از آن دفاع میشود و حقوقی که در واقع برای کودکان وجود دارد، مغایرتهای فاحشی به چشم میخورد (هارت، 1982).

برای نخستین بار در سال 1959 میلادی اعلامیهای به نام اعلامیه حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. (این اعلامیه که نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران به آن رای مثبت داده بود شامل 10 اصل میشد. این اصول بهطور کلی متوجه رفع تبعیضهای نژادی، حمایت از کودک، امنیت (به تصویر صفحه مراجعه شود) اجتماعی، معلولیت کودکان، سرپرستی والدین برای پرورش متعادل شخصیت کودک، آموزش رایگان و اجباری، اولویت دادن به فراهم آوردن تسهیلات لازم برای کودک و حمایت در برابر غفلت، ظلم، شقاوت و استثمار بود).

سازمان ملل متحد درصدد برآمد تا بیستمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق کودک را در تمام کشورهای جهان گرامی بدارد، از اینرو سال 1979 میلادی را سال جهانی کودک نامید. این گرامیداشت، که از سوی سازمانهای ملی یونسکو، در کشورهای مختلف جهان برگزار شد، با اولین ماههای پیروزی انقلاب اسلامی ایران همزمان گردید.

در سال 1358 هجری شمسی بنا به توصیهی سازمان یونسکو در ایران نیز همانند سایر کشورها، کمیسیونی مرکب از نمایندگان دانشگاهها و سایر نهادهای مربوط برای گرامیداشت اعلامیه حقوق کودک و برگزاری سال جهانی کودک، تحت نظارت و راهنمایی کمیسیون ملی یونسکو، تشکیل شد. این کمیسیون به یک سلسله اقدامهای تربیتی در ایران دست زد (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، 1358) و از آن جمله اعلامیه دیگری به نام اعلامیهی حقوق روانی کودک را که پیش از این، انجمن بینالمللی روانشناسی آموزشی³ به تهیه و تصویب آن مبادرت ورزیده بود تایید کرد. اعلامیهی حقوق روانی کودک شامل 9 بند است که به ترتیب زیر میباشد (قاضی، 1368):

1. حق داشتن عشق، محبت و تفاهم
2. حق رهایی از ترس و آزارهای روانی و بدنی
3. حق پشتیبانی و دفاع
4. حق هویت شخصی و استقلال و آزادی اظهار آن
5. حق داشتن فرصتهای مناسب برای رشد معنوی و اخلاقی
6. حق آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و منابع ضروری ویژه کودکان استثنایی
7. حق فرصتهای کامل برای بازی، تفریح و تخیل آزاد 8. حق برخورداری و انجام تشویقهای لازم دربارهی رشد جسمی و روانی.

متجاوز از ده سال از تصویب اعلامیهی حقوق روانی کودک میگذرد. هنوز در هیچیک از کشورهای جهان نهتنها حقوق کودکان به صورت مشخص تعیین نشده و لازمالاجرا نگردیده است، بلکه این حقوق به صورتهای گوناگون زیر پا گذارده شده و میشود. یک نمونهی بارز و تاسفآور آنکه خشم همه جهانیان را برانگیخت، فاجعهی بمباران شیمیایی شهر حلبچه از سوی رژیم جنایتکار حاکم بر عراق بود که طی آن، هزاران کودک عراقی جان خود را از دست دادند. و همچنین جنایاتی که در بوسنی هرزگوین، کوزوو و افغانستان و... صورت گرفته و میگیرد. میثاق یا کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق کودک در نتیجهی 9 سال بررسی و مطالعه توسط نمایندگان بیش از 40 کشور جهان پیشنهاد شده است. این میثاق هدف خود را حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و شخصی کودکان جهان دانسته و به تعریف دقیق تعهدهای بزرگسالان نسبت به آنان میپردازد.

این میثاق معیارها و شاخصهایی را شامل میشود که حقوق بینالمللی حاکم بر کودکان را در برمیگیرد و ابزار دفاعی مهمی را در اختیار ما قرار میدهد تا بتوانم برای ارتقای رفاه اجتماعی کودکان و برای اجرای عدالت دربارهی آنان، از آن

استفاده کنیم، شایستگی و کارایی این میثاق به جهان شمولی و مقبولیت آن از جانب کشورهای گوناگون جهان مربوط خواهد بود. چنانچه مجمع عمومی سازمان ملل متحد این میثاق را مورد تأیید قرار دهد و سپس به تصویب اکثریت نمایندگان کشورها برساند، آنگاه مواد حقوق کودکان به صورت پشتیبان مستحکمی برای بالا بردن منافع کودکان در خواهد آمد.

سازمانها، انجمنهای بینالمللی روانشناسی، نظیر انجمن علمی کودکان استثنایی ایران، انجمن بینالمللی روانشناسی آموزشی، روانشناسان مدارس، مسوولان امور تربیتی، مربیان مهد کودکها و معلمان سراسر جهان باید در خط مقدم کوششهایی قرار بگیرند تا اصولی را که تضمینکننده سلامت رشد و کارکرد درست کودکان است، کشف کنند و به کار ببندند. انجمن بینالمللی روانشناسی آموزشی خواهان آن است تا موضعی مسوولانه برای پشتیبانی از میثاق سازمان ملل متحد در بارهی حقوق کودکان سراسر جهان اتخاذ کند و حرکتی مشابه دیگر در حوزه روانشناسی کودکان اعمار کودکان عادی و استثنایی را در هر کشوری که یافت شود، تشویق نماید. انجمن بینالمللی روانشناسی آموزشی اکنون دست کمک به سوی مهمی متخصصان و دستاندرکاران تعلیم و تربیت کودکان در سراسر جهان دراز کرده است و خواستار آن است تا دربارهی میثاق حقوق کودکان، پیش از طرح نهایی آن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نظر بدهند. همچنین، کلیهی نمایندگیهای سازمان یونسف نیز در هر کشور و از جمله در کشور ما، آمادهاند تا به علاقه‌مندان و پژوهشگران نسخهای از این میثاق را تحویل دهند، طرح و رایگیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد دربارهی این میثاق در ماه نوامبر سال 1989 میلادی که برابر با آبانماه 1368 اتفاق افتاد و امید است کلیه کشورها پیوسته این امر را در آینده نیز تعقیب نمایند و پیشنهادهای آنان برای سازمان ملل متحد و یونسف ارسال گردد.

افزون بر این نظرخواهی عمومی، انجمن بینالمللی روانشناسی آموزشی در نظر دارد تا در یک پژوهش درازمدت، موضوع کودکان در کشورهای مختلف را مورد بررسی و تحقق قرار دهد، چنین پژوهشی باعث پیشرفت ما در این زمینه گردیده، و دیدگاههای ما را گسترش خواهد داد. از طریق این قبیل پژوهشهای بینالمللی است که میتوان تعیین کرد تا چه اندازه به حقوق کودکان توجه شده و یا نسبت به آن غفلت میشود. موافقتها و مخالفتیهای موجود میان آنچه که عمل میشود و آنچه در نظر است، در میان فرهنگهای گوناگون آشکار میگردد. در این پژوهش فرضیه این است که دیدگاههای موافقی وجود دارد، یا در حال به وجود آمدن هستند و نیز آشکار خواهد شد که با برخی اقدامهای موجود دربارهی کودکان، مخالفتیهای سازندهای به چشم میخورد. چنانچه این فرضیه به اثبات برسد، میتوان امیدوار بود که نتایج این پژوهش بتواند در فرهنگهای گوناگون قابل استفاده باشد. میتوان پیشبینی کرد که حمایت از حقوق کودکان سرانجام به بالا رفتن معیارهای حقوق آنان منجر خواهد شد (قاضی، 1369). نکتهای که لازم به توضیح است اینکه بیشتر مواد کنوانسیون در ارتباط با اقدامهای حمایتی و وظایف ما در مورد کودکانی است که در شرایط اضطراری و خطر به سر میبرند، مانند کودکان کار، کودکان معلول بیسرپرست، کودکان آواره و پناهنده و درگیر جنگ، کودکان برهکار، کودکان آزاردیده و استثمار شده، کودکان محروم از حقوق اساسی خود مانند آموزش، بهداشت، تغذیه و...

اما تنها وجود قانون برای حمایت از کودکان کافی نیست و تحقق آن مستلزم فراهم کردن شرایط بهتری برای کودکان است. تلاش در این زمینه، اصلیتین وظیفه ما در برابر کودکان است. تحقق حقوق کودک در هر جامعه مستلزم دو اقدام اساسی است:

شناخت مشکلات و تنگناهای زندگی کودکان از طریق تحقیق، بررسی و جمعآوری دادههای آماری، زیرا تا آسیبهای کودکان مشخص نشود، تلاش در راه کاهش و پیشگیری از آنها امکان پذیر نخواهد بود.

ارایه راهکارهای مناسب و علمی برای پیشگیری و کاهش آسیبهای کودکان و تلاش در راه اجرای آنها. این دو اقدام اساسی که باید به موازات هم صورت گیرند، نیاز به بسیج همگانی دارد. زیرا در هر دو زمینه به دلایل مختلف با نارساییهای روبهرو هستیم که کاهش آنها تلاش گسترده و مشارکت فعال دولت و همهی کسانی را میطلبد که به رشد و پیشرفت کودکان و جامعه علاقمندند.

زیرنویسها:

(1). Melton

(2). Hart

(3) ISPA) International School Psychology Association)

منابع:

بیگدلی، محمد رضا، (1381). حمایت از معلولین. پژوهشکده استثنایی. بیگدلی، محمد رضا، (1379). حقوق کودک و کودک معلول در قوانین داخلی و بینالمللی. پژوهشکده کودکان استثنایی. کمیسیون ملی یونسکو در ایران (1358). گزارش سال جهانی کودک در ایران. قاضی، قاسم (1368). زمینه مشاوره و راهنمایی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم. قاضی، قاسم (1369). حقوق کودکان در ایران و جهان. فصلنامه علمی، پژوهشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره 1-4.

P , Plenum . NY . Psychological issues and intervetions : child dvoca (1983). GB , Melton 178.

P . View Pointsin Teaching and learning . the history of chidren Psychological rights (1982). N . S , Hart .58.

منبع : مجله تعلیم و تربیت استثنائی « شماره 58

نشانی مطلب در وبگاه شمعدانی | پایگاه اینترنتی معلولان ایران:

<http://www.shamdani.com/find.php?item=1.90.2057.fa>

[برگشت به اصل مطلب](#)